

همدلی و همزبانی دولت و ملت؛ باز کاوی وظایف متقابل

fooladi@iki.ac.ir

محمد فولادی / دانشیار مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ع)

پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۲۱

دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۳

چکیده

«همدلی و همزبانی دولت و ملت»، نقشه راه و راهبردی استراتژیک از سوی رهبر فرزانه انقلاب برای سال ۱۳۹۴ ترسیم شده است. کالبدشکافی این مقوله، و باز کاوی تجلی عینی آن، بیان استراتژیک و یا تاکتیکی بودن این شعار، وظایف متقابل دولت و ملت در تحقق آن دو، و تبیین راه کارهای عملی تحقق آنها هدف این مقاله است. این مقاله با رویکرد تحلیلی و اسنادی تدوین یافته و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به هر میزان قرابت، همدلی و همزبانی و برخورد همدلانه و همگرایانه دولت و ملت بیشتر باشد، وحدت، انسجام و همبستگی ملی افزایش یافته، تحقق اهداف، آرمان‌های متعالی و چشم‌اندازهای بلند نظام اسلامی سریع‌تر خواهد بود. در شرایط کنونی جهانی، با رصد حوادث، وقایع و رخداد‌های پیرامون، به‌ویژه در جهان اسلام، تنها رمز و راز موفقیت در عرصه جهانی، «وحدت»، «اتحاد» و «انسجام» داخلی و «همدلی» و «همزبانی» دولت و ملت است. از این‌رو، همدلی و همزبانی دولت و ملت، رویکردی استراتژیک و راهبردی است.

کلیدواژه‌ها: همدلی و همزبانی، دولت، ملت، ویژگی همدلی، رویکرد تاکتیکی، استراتژیک.

مقدمه

دوسویه در عرصه خانواده و هریک از والدین با فرزندان، و نیز در سطح کلان جامعه میان کارگزاران نظام سیاسی و افراد یک ملت، اگر درک و تفاهم و در نتیجه همدلی نباشد، در بلندمدت منشأ گسست روابط اجتماعی، و ناکامی در برقراری ارتباط مؤثر خواهد بود و تعامل تداوم نخواهد داشت. در فضای غبارآلود و عدم اعتماد متقابل، که همراه با حس بیگانگی، هراس و تهدید است، همدلی، درک متقابل و تداوم تعامل دوسویه بی‌معناست.

بنابراین، برای نیل به همدلی، تفاهم ضروری است. مقصود از «تفاهم»، در میان افراد و یا گروه‌های اجتماعی، سیاسی و حتی در سطح کلان دولت و ملت این است که طرفین مقاصد، خواسته‌ها، تمایلات و عواطف یکدیگر را به خوبی درک کنند. به نظر می‌رسد، افراد یا گروه‌هایی که دارای زبان مشترک هستند و به‌اصطلاح هم‌زبانند، تفاهم دارند. پرسشی که در اینجا مطرح است اینکه آیا لزوماً هر دو نفر، یا دو گروه و یا دولت و ملتی که هم‌زبانند، تفاهم کامل دارند؟ در پاسخ باید گفت: ممکن است هم‌زبانی منجر به تفاهم شود، اما برای نیل به تفاهم اساسی، افزون بر هم‌زبانی، همدلی هم ضرورت دارد. به عبارت دیگر، شرط اساسی رسیدن به تفاهم کامل، همدلی است. وقتی میان افراد و گروه‌ها تفاهم نباشد، سوءظن‌ها، کینه‌ها و عداوت‌های بی‌اساس تشدید و اختلافات گسترده می‌شود. در عرصه کلان و نظام سیاسی هم همین امر صادق است. در روابط بین‌الملل هم چه بسیار اختلافات، تنش‌ها و حتی جنگ‌های خانمانسوز ناشی از عدم تفاهم و سوءظن به وجود می‌آید (بهشتی، ۱۳۵۴، ص ۳۲). به عبارت دیگر، بسیاری از مشکلات و مصیبت‌ها ناشی از عدم تفاهم و نداشتن زبان مشترک، به‌ویژه در میان گروه‌های سیاسی است که به دنبال تثبیت پایه‌های قدرت خود هستند. بسیاری از افراد و گروه‌هایی که حاضر نیستند کمترین احترامی به شخصیت، حقوق، عقاید و افکار دیگران بگذارند. چنین افرادی اگر قدرت پیدا کنند، یک دیکتاتور مخوف خواهند شد و اگر قدرت هم پیدا نکنند، با هزاران نیرنگ و شیطنت آرامش، امنیت، وحدت و انسجام اجتماعی را بر هم خواهند زد. از این‌رو، دین حیات بخش اسلام با این‌گونه رفتارهای ناپسند، خودخواهانه، تکروی‌های بی‌حاصل که وحدت و انسجام اجتماعی را نشانه رفته است، به مبارزه برخاسته، پایه و اساس تعالیم روح‌بخش خود را بر ایجاد

سال ۱۳۹۴ از سوی رهبر فرزانه انقلاب به نام سال «همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت» نام‌گذاری گردید. دولت و ملتی که همدل و هم‌زبان هستند، دارای انسجام، همبستگی و از وحدت، یک‌دلی و یک‌رنگی بهره می‌برند. به‌راحتی با مشارکت شهروندان خویش به تحقق اهداف متعالی نظام خویش دست خواهد یازید. به هر میزان قربات، همدلی و نزدیکی، وحدت و همبستگی ملی و علاقه‌مندی ملت در مسیر حرکت به سوی اهداف موردنظر یک نظام، همدلانه، مشابه و همگرایانه باشد، چنین ملتی به راحتی و سریع‌تر از حد انتظار به آرمان‌های متعالی و چشم‌اندازهای بلندمدت خود خواهد رسید. تفاهم و همکاری دوسویه دولت و ملت، آن‌گاه که آگاهانه و با مدیریت و برنامه‌ریزی درست باشد، شکل اجتماعی به خود گرفته، همدلی، همبستگی و انسجام اجتماعی را تقویت خواهد کرد. این مهم موجب تقویت بیش از پیش رضایت و اعتماد عمومی شهروندان نسبت به حاکمیت سیاسی خواهد بود. همدلی، اکسیری است که پایبندی عملی دولت و ملت به هنجارها، ارزش‌های اجتماعی و قوانین و مقررات عمومی را تقویت می‌کند و موجبات مسئولیت‌پذیری آنان را نسبت به یکدیگر فراهم می‌آورد.

روشن است ملت و دولت همدل و هم‌زبان، منسجم و یکپارچه که با همبستگی ملی و تعامل و تفاهم مشترک در بازسازی و تحقق اهداف و آرمان‌های ملی خویش در تلاش هستند، توطئه‌ها و تبلیغات روانی دشمنان و معاندان حاکمیت ملی و دین را در ناکارآمد جلوه دادن نظام و رفع و حل مشکلات اجتماعی و مطالبات عمومی ناکام خواهند گذارد.

تعامل و ارتباط دوسویه و همدلانه در عرصه زندگی اجتماعی، در سطح خرد و کلان جامعه امکان‌پذیر است و در زندگی روزمره، در قالب گفت‌وگو با والدین و فرزندان، دوستان، همکاران، و در سطح کلان با گروه‌ها و احزاب سیاسی، شغلی، اجتماعی، دولت و کارگزاران نظام سیاسی و توده مردم و... صورت می‌گیرد. همچنین ارتباط با دیگران شامل ارتباط چهره به چهره بوده که خود از طریق کلامی و غیرکلامی انجام شدنی است (فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۱۳). حداقل پیامد و کارکرد تعامل و ارتباط دوسویه، که همراه با درک و تفاهم متقابل باشد، داشتن زبان و ادبیات مشترک است که افزون بر اثربخشی ارتباط، موجبات همدلی را فراهم می‌سازد. در تعامل

کار رفته است. هدف این است که در هر رابطه، انسان‌ها بتوانند در شناخت مسائل یکدیگر، به دور از انتظارات بی‌پایه و توقعات نامحدود، آگاه و توانا باشند (ساروخانی، ۱۳۷۸، ص ۹).

از نظر بکرچ، همدلی توانایی یک فرد است که به گونه‌ای تجربی دریابد که فرد دیگر چه تجربه‌ای در یک لحظه موعود و در یک چارچوب مشخص و با توجه به نظر خویشتن دارد. همدلی کردن یعنی احساسی را داشتن که دیگری نیز بدان احساس دست یافته است. همدلی یعنی ایجاد احساس مشترک با یکدیگر؛ یعنی فرستنده پیام و گیرنده پیام هر دو به یک احساس یگانه دست یافته‌اند (فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۷).

همدلی و هم‌زبانی، نوعی مهارت است و به معنای ورود به دنیای فرد دیگر است. این مهارت، هسته اصلی ارتباط است. ما زمانی همدلی کرده‌ایم که بتوانیم شرایطی را فراهم کنیم که فرد را در یک فضای سالم و غیرتهدیدکننده قرار دهیم تا او بتواند احساسات و افکار خود را که برایش اهمیت دارد، ابراز کند (نگیانی، ۱۳۸۵، ص ۵۴). مهارت ارتباطی هر کس، به تعریف او از همدلی مرتبط می‌شود.

گوفمن معتقد است: «مقررات و قواعدی برای سخن گفتن و ترک سخن وجود دارد، به همین منوال باز هم قاعده‌ای برای تماس چشمی، نگاه کردن و چشم از مخاطب برداشتن و نیز آداب و آئینی برای شروع و خاتمه یک گفت‌وگو در نظر است... که بدون آنها ارتباط مؤثر و همدلی در مسیر طبیعی خود قرار نمی‌گیرد و فراگرد به درستی هدایت نمی‌شود (فرهنگی، ۱۳۸۷، ص ۳۵).

پیشینه بحث

با رصد بحث همدلی و هم‌زبانی در آثار مکتوب، بحث و یا اثر مستقلی در این زمینه یافت نشد. اما مباحث پراکنده‌ای در این زمینه می‌توان از لابلاهای برخی متون یافت. هم‌زبانی و نقش زبان اقوام گوناگون، افزون بر نقش تعیین‌کننده‌ای که در پیوستگی ملی، فرهنگی و سیاسی آنها دارد، حامل پیام‌هایی است که در همه فرهنگ‌ها و زبان‌ها یکسان یا شبیه است. سعدی شیرازی، با الهام از حدیث «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عَضُوهُ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَ الْحُمَّى» (مؤذنی، ۱۳۵۷، ص ۱۰۶)، می‌فرماید:

همدلی و روح تفاهم فرار داده، به مردم چنین گوشزد می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)؛ همه شما را از یک زن و یک مرد آفریده و شعبه شعبه و قبيله قبيله قرار دادیم تا یکدیگر را شناخته، با هم تفاهم داشته باشید و عزت، شرافت و شخصیت هرکسی در پیشگاه خداوند، وابسته به تقوا و خودداری از تجاوز و تعدی به شخصیت و حقوق افراد و اجتناب از زشتی‌ها است.

طرح این بحث، در سال «همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت»، با اندک بصیرت و با نگاهی گذرا به دنیای پیرامون و هجمه همه‌جانبه استکبار جهانی در کره نشان دادن چهره اسلام و مسلمانان و تحریم‌های ظالمانه علیه ایران اسلامی، برای فائق آمدن بر مشکلات داخلی و بین‌المللی ضرورتی دوچندان است.

این پژوهش به باز‌کاوی مفهوم «همدلی و هم‌زبانی» و تبیین نقش آن در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایجاد، تثبیت و تقویت وحدت و انسجام ملی می‌پردازد. واکاوی این موضوع و راه‌کارهای تقویت همدلی، هم‌زبانی، رسالت و وظایف دولت و ملت در این زمینه محورهای اصلی این مقاله می‌باشد. به نظر می‌رسد، مهم‌ترین عامل تحقق همدلی دولت و ملت، تثبیت مشروعیت نظام سیاسی، و فائق آمدن بر مشکلات داخلی و معضلات بین‌المللی خواهد بود.

تعریف همدلی

«همدلی»، یک مهارت در فراگرد ارتباطی است که موجب ایجاد تفاهم با دیگران می‌شود و در پی آن ارتباطات میان‌فردی مؤثر شکل خواهد گرفت. همدلی ترجمه واژه «Empathy» است که به معنای «با دیگری حس کردن» است. همدلی کردن با کسی یعنی احساس او را درک کردن. فرایندی که حکایت از حس مشترک و رابطه عمیق انسان‌ها با یکدیگر است که لازمه یک رابطه سالم با انسان‌ها می‌باشد. یکی از اصول ارتباطات انسانی، بقا و امنیت ارتباطی بین انسان‌هاست که به آن اصل آگاهی می‌گویند. منظور از آن، گذر از مرز رفتار غریزی است که مخصوص حیوانات می‌باشد. انسان‌ها باید در روابط خود به مرزهای بلند آگاهی دست یابند. «همدلی» در لغت، برای نشان دادن یکی از ابعاد آگاهی به

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

(سعدی، ۱۳۵۶، ص ۴۷).

از این رو، در ادبیات مکتوب ما و در منظر سعدی، تفاهم، همکاری، دست‌گیری، کمک به هم‌نوعان و همدلی با آنان، شایسته و بایسته خلق و خوی انسانی است. در عرفان و تصوف، که درون‌مایه بخش مهمی از ادبیات منثور و منظوم فارسی است، «همدلی» است که آدمیان را یگانگی می‌بخشد. حوزه آن به مرز و بوم خاصی محدود نمی‌شود؛ همه اقالیم و ادیان را از آدم تا خاتم فرا می‌گیرد و وطن اصلی انسان‌ها را جهان حقیقت می‌داند که مولانا از آن به نیستان تعبیر کرده است. در مکتب عرفان، به قول حافظ، همه کس طالب یارند چه هشیار و چه مست

همه جا خانه عشقت چه مسجد چه کنشت

سرچشمه واقعی عرفان اسلامی قرآن و سنت است. قرآن کریم نوع بشر را، بدون در نظر گرفتن رنگ و نژاد و فرهنگ، از نفس واحد می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً...» (نساء: ۴). در قرآن کریم، انسان‌ها با عنوان بنی‌آدم، «یا بنی‌آدم» (اعراف: ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۵)، «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ» (اعراف: ۱۷۲)، «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰)، «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ» (یس: ۶۰)، مورد خطاب قرار گرفته‌اند. این گونه تعابیر قرآنی، گویای سرشت مشترک انسانی در خلق و خلق است. اشتراک در انسانیت، کرامت ذاتی او و عهد و پیمان مشترک در پیمودن مسیر مشترک کمال و سعادت که تنها در پرتو، اخوت، برادری و همدلی و تفاهم امکان حصول دارد.

از سخنان حضرت امیر است در همین معنی که می‌فرماید: «يَا بَنِيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ، فَاحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۶، ص ۳۰۱). آن حضرت به فرزند گرانمایه خود می‌فرماید: فرزندم خود را معیاری در قضاوت میان خود و دیگران قرار ده. از این رو، آنچه برای خویش دوست می‌داری، برای دیگری هم دوست بدار. به همین دلیل، در بحث

همدلی و هم‌زبانی، زمانی این دو مقوله محقق می‌شوند که - در بحث ما - هر دو دولت و ملت، خود را از دریچه نگاه دیگری بنگرد و خود را جای دیگری نشانند.

مولانا نیز این بحث را به گونه‌ای دیگر مطرح و همدلی را از هم‌زبانی بهتر می‌داند. وی در مثنوی، با آوردن تمثیل‌هایی، همدلی را بر هم‌زبانی مقدم داشته است:

هم‌زبانی خویشی و پیوندیست

مرد با نامحرمان چون بندیست

ای بسا هندو و تُرکِ هم‌زبان

ای با دو تُرک چون بیگانگان

پس زبان محرمی خود دیگرست

همدلی از هم‌زبانی بهترست

(مولوی، ۱۳۶۶، دفتر اول، ابیات ۱۲۰۵-۱۲۰۸)

از این رو، همچنان که مولانا هم تصریح دارد، هم‌زبانی صرف برای نیل به تفاهم کامل کافی نیست. به تعبیر وی، ممکن است دو هم‌زبان از هم بیگانه باشند و هیچ قرباتی بین آنان نباشد. از این رو، افزون بر هم‌زبانی، همدلی برای نیل به تفاهم ضروری است.

همدلی و هم‌زبانی در کلام رهبر فرزانه انقلاب

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، در پیام آغاز سال ۱۳۹۴، سال جدید را سال «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی» نامگذاری کردند و تأکید نمودند که برای تحقق شعار سال ۹۴، باید هر دو کفه این شعار؛ یعنی ملت عزیز، بزرگ، شجاع، بصیر، دانا و با همت ایران و همچنین دولت خدمتگزار، به یکدیگر اعتماد، و صمیمانه با هم همکاری کنند. ایشان با تأکید بر آرزوهای فراروی ملت ایران در سال جدید، از جمله «پیشرفت اقتصادی»، «اقتدار و عزت منطقه‌ای و بین‌المللی»، «جهش‌های علمی به معنای واقعی»، «عدالت قضایی و اقتصادی» و از همه مهمتر، «ایمان و معنویت»، فرمودند: تحقق این آرزوهای بزرگ مشروط به همکاری، همدلی و صمیمیت دوسویه دولت و ملت می‌باشد. دولت، کارگزار ملت، و ملت کارفرمای دولت است، و هرچه همکاری دولت و ملت بیشتر باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. بنابراین، هم دولت باید واقعاً ملت را قبول داشته باشد و ارزش، اهمیت و توانایی‌های مردم را به‌درستی بپذیرد، و هم ملت باید به معنای واقعی کلمه به دولت اعتماد کند.

- کمک به دولت در چالش‌های پیش‌روی داخلی و بین‌المللی؛
- لزوم بیان کاستی‌ها و انتقاد بجا از دولت در عملکردها؛
- پرهیز دولت از اهانت به منتقدان؛
- پرهیز ملت از اهانت به دولت و ناکارآمدسازی آن به بهانه نقد عملکرد دولت؛
- تلاش مشترک دولت و ملت در فائق آمدن بر مشکلات؛
- نادیده نگرفتن خدمات دولت، در عین بیان کاستی‌ها؛
- بهره‌گیری از نیروهای کارآمد مردمی در حل مشکلات جامعه؛
- توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی در دور زدن تحریم‌ها.

شاخص‌های ملت همدل با دولت

- ملتی با دولت همدل و هم‌زمان است که گرفتاری‌های دولت را گرفتاری‌های خود بدانند. او بسان کارفرمایی است که مشغله‌های کارگزار را جزئی از دغدغه‌های خود می‌بیند و «توقعات» خود را پیش از پیش مدیریت می‌کند. ملت همدل با دولت، باید در همه صحنه‌ها و عرصه‌ها، پیش از دولت حضور یافته، مشکلات دولت را در عرصه‌های جهانی رصد و راه‌های حل آنها را به دولت گوشزد نماید. از توقعات بی‌جا، اجتناب نماید. اگر مردم «خود را جای دولت بگذارند» و به معنای حقیقی کلمه با دولت همدلی کنند، جایی برای توقعات فزاینده نخواهد بود. مردم باید دولت و کشور را از آن خود بدانند و برای رفع مشکلات پیش‌رو همت و تلاش مضاعف نمایند. برای نمونه، با پایین آوردن انتظارات و توقعات، فرهنگ‌سازی برای خرید کالاهای داخلی با هدف تقویت تولیدات ملی، اهتمام جدی و همدلانه در پرداخت عوارض، مالیات و دیون ملی، پرهیز از اسراف، بیان دلسوزانه مسائل و مشکلات و انتقادهای سازنده به دولت و... در تقویت همدلی و هم‌زمانی با دولت پیشگام باشند. اجمالاً، رسالت ملت در تحقق همدلی و هم‌زمانی عبارتند از:
- بصیرت و هوشیاری نسبت به نقشه‌های دشمنان و کمک به دولت در حل مشکلات؛
 - همراهی عملی در تحقق اقتصاد مقاومتی از طریق صرفه‌جویی و مصرف کالاهای داخلی؛
 - اعتماد به دولت و کمک و همراهی با او در تحقق اهداف نظام اسلامی؛
 - اجتناب از برخوردهای احساسی و هیجانی؛

ایشان در این پیام، ضمن معرفی «ملت» به‌عنوان «کارفرمای دولت»، بر خصوصیت مهم این کارفرما، تحت عنوان «عزم» تأکید کردند. «عزم ملی و مدیریت جهادی»، دو خصوصیتی است که باید دولت و ملت از آن برخوردار باشند. از نظر ایشان، عزم ملی از سوی ملت، بخصوص در راهپیمایی‌های عظیم و متعددشان به‌طور کامل محقق شد و معلوم شد که «از طرف ملت عزم لازم وجود دارد». اما از نظر ایشان، تحقق مدیریت جهادی به‌کاملی عزم ملی نبود و صرفاً «هر جا مدیریت جهادی بروز داشت» پیشرفت‌ها نیز آشکار بود.

بدین ترتیب، دولت و ملت از نظر رهبر فرزانه انقلاب هر یک رسالتی دارند. از یک‌سو، کارفرما یعنی ملت، عزم راسخی از خود به نمایش گذاشته است و کارگزار یعنی دولت، نه به‌اندازه کارفرما، اما او هم نشان داده است که هر جا اراده کند، می‌تواند. حالا قرار است در سال جاری این دو بیش از پیش، با هم همدل و هم‌زمان باشند؛ یعنی توان «خود را جای دیگری گذاشتن» را در خود تقویت کنند.

تأمل و تدبر در این جملات نغز اما به ظاهر ساده، حکایت از معنایی عمیق، رسالتی دوسویه و ژرف دارد و تحقق آن نیز ساده است. تعبیر کارفرما و کارگزار، تعبیری بسیار عمیق است. به‌راستی دولت عامل، کارگزار و در واقع مجری سیاست‌های نظام و قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی است. از این‌رو، رسالتی جز تلاش و مدیریت جهادی ندارد. در کلام رهبری، گویا مردم همواره پا به کار و با عزمی راسخ وظایف خویش را تمام و کمال انجام داده و می‌دهند. آنچه انتظار بیشتر می‌رود، مدیریت جهادی از سوی دولت است. این کلام اشاره به این دارد که اطمینان کامل به ملت هست، هرگاه دولت با مدیریت جهادی وارد عرصه عمل شده، موفق بوده است؛ یعنی مواقعی هم چنین نبوده است! این موضوع همت مضاعف لازم دارد، با همدلی و هم‌زمانی و تفاهم مشترک، گره کور مشکلات را می‌توان باز کرد و از پرداختن به مسائل حاشیه‌ای اجتناب نمود.

با عنایت به پیام نوروزی رهبری انقلاب، و مجموعه سخنان راهگشای ایشان در تبیین این موضوع اجمالاً، اهداف زیر را می‌توان در راستای طرح شعار همدلی و هم‌زمانی دولت و ملت بیان کرد:

- تقویت اتحاد ملی و انسجام اجتماعی؛
- توجه به تعامل دوجانبه دولت و ملت؛
- توجه به حقوق متقابل دولت و ملت؛

- درک حساسیت شرایط جهانی و کمک به دولت در حل مشکلات جامعه؛
- پرهیز از رویکرد تقابلی با دولت و تبدیل آن به رویکرد تعاملی و همکاری.
- شاخص دولت همدل با ملت**
- دولتی با ملت همدل است که مشکلات مردم را مشکلات خود بداند. مشکلات مردم را نه در کاخ‌ها و شبکه‌های اجتماعی، بلکه از زبان خود مردم و در میان مردم، آنها را دیده و لمس نماید. باید دنیا را از دریچه چشم مردم دید. دولتی که کارگزار و عمله مردم است، باید خود را از جنس مردم بداند. کاستی‌ها را ناشی از تلاش کم خود بداند، نه مردم. به عبارت دیگر، باید دولت خود انتقادی را به یک گفتمان و فرهنگ عمومی تبدیل کند. دولت مردمی، همواره در میان مردم و خود را کمترین و مردم را ولی نعمت خود تلقی می‌کند و از «نگاه بالا به پایین» منجز، ترجیح می‌دهد نقادی را از خود شروع کند. از پرداختن به مسائل حزبی و جناحی، بحث‌های حاشیه‌های بیهوده اجتناب، توجیه ناکارآمدی خویش، و از دست دادن فرصت طلایی خدمت به مردم را برای خود خسارت جبران‌ناپذیر بداند.
- دولتی با مردم همدل و همزمان است که با توکل بر خدا و با پشتیبانی مردم و نه امید به بیگانگان، در پی رفع مشکلات مردم برآید؛ باید بر توانمندی داخلی تأکید داشت، بر دشمنان دین و مردم سختگیر بود، با «خود را جای مردم نشاندن»، «بغض و کینه انقلابی از دشمنان در قلب توده‌ها مردم» را با همه وجود لمس کرد. در عرصه‌های بین‌المللی برای احقاق حقوق مردم، نه از موضع انفعال و دیپلماسی منفعلانه، که از موضع قدرت وارد شد. در صف مردم و مقابل دشمنان، و نه در مقابل مردم موضع گرفت. با آغوشی باز پذیرای نقدهای مشفقانه منتقدان بود، به جای نقدپذیری، منتقدان را با برچسب مقابل خود قرار نداد. به فتنه‌گرانی که صف خود را از ملت جدا کرده‌اند و به دشمن پیوسته‌اند و دل به دشمن ملت بسته‌اند و دل داده غربند، مجال فعالیت نداد. اجمالاً، رسالت دولت همدل عبارتند از:
- اعتماد و اعتنا به مردم و ظرفیت‌های آنان در حل مشکلات جامعه؛
- مبارزه با فساد، تبعیض و تلاش جدی و نه شعارگونه، برای از بین بردن زمینه‌های آن؛
- عدم ورود در جدال‌های بیهوده سیاسی و تلاش برای رفع مشکلات مردم؛
- بهره‌گیری از نیروهای کارآمد نظام و حرکت به سمت شایسته‌سالاری و عدم وابستگی و اتکا به جریان‌ها و احزاب سیاسی؛
- پرهیز از اتخاذ مواضع افراطی یا تفریطی و یا تصمیمات احساسی و نسنجیده؛
- نقدپذیری و بالا بردن آستانه تحمل خود در برخورد با منتقدان؛
- همگرایی و همسویی حداکثری کارگزاران نظام و حفظ ارکان نظام اسلامی؛
- پایبندی عملی بر آرمان‌های نظام اسلامی و تلاش برای تحقق آنها؛
- عدم دل‌بندی و دل‌دادگی نسبت به نسخه‌های غربی حل معضلات جامعه؛
- بیان واقعیات جامعه و اجتناب از مردم‌فریبی در ارائه آمارها؛
- اجتناب از شعارها و وعده‌های غیرعملی و دور از انتظار؛
- مردمی بودن و پرهیز از اشرافی‌گری؛
- حضور در بین مردم و درک مشکلات آنان از نزدیک؛
- پرهیز از چندقطبی کردن مردم تحت عنوان موافقان - مخالفان؛ منتقدان - دلواپسان؛
- حفظ حرمت نیروهای ارزشی و صاحبان اصلی انقلاب و اتکا به آنان در حل مشکلات جامعه؛
- همسویی عملی با خواست مردم و رهبری و تلاش در جهت تحقق منویات رهبری؛
- اتکا به توانمندی‌های داخلی و تلاش برای رفع فقر، تبعیض و فساد؛
- حمایت واقعی از تولیدات داخلی و ملی و پرهیز از واردات کالاهای مصرفی؛
- انضباط مالی دولت و کاهش وابستگی به ارزهای خارجی و اقتصاد تک‌محصولی؛
- احیای روحیه و مدیریت جهادی و ایشار و شهادت در مبارزه با مفاسد اجتماعی و حل مشکلات اجتماعی؛
- شکستن تابوی پیروی از سیاست ابرقدرت‌ها و پایبندی عملی به عدم تعهد.

همدلی و همزبانی؛ رویکردی تاکتیکی یا استراتژیک؟

همدلی و همزبانی، در مفاهیم اجتماعی و مقولات جامعه‌شناختی، مترادف، هم‌معنا و یا نتیجه مفاهیمی چون وحدت، اتحاد و انسجام است. این امر در عرصه داخلی و میان جوامع و کشورهای اسلامی، امری ممکن و مطلوب است. حال سؤال این مطرح است که رویکرد به همدلی و همزبانی، چه نوع رویکردی است، تاکتیکی و یا استراتژیک؟ با عنایت به تلاش مضاعف دشمنان اسلام در مقابله جدی با اسلام و ارائه چهره خشن از آن، و ضرورت وحدت و انسجام داخلی، و مبارزه بی‌امان با دشمنان، همدلی و همزبانی رویکردی استراتژیکی است؛ زیرا از یک‌سو، با توجه به پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی و خیزش اسلامی در اقصا نقاط جهان اسلام، و تولد دوباره اسلام ناب محمدی و حضور دین در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و تقابل جدی اسلام ناب با اسلام آمریکایی و به چالش کشیده شدن ایدئولوژی لیبرالیسم توسط ایدئولوژی اسلامی، و از سوی دیگر، با توجه به اینکه استکبار جهانی با بهره‌گیری از همه امکانات و ابزارهای مادی خود، و از طریق راهاندازی جنگ‌های نظامی، فرهنگی و مذهبی، به مقابله جدی با اسلام برخاسته و نظام اسلامی و جهان اسلام را با تهدیدها و چالش‌های جدی مواجه کرده است، به گونه‌ای که اگر این تهدیدها و چالش‌ها به فرصت تبدیل نشود، و به طور حساب‌شده و شایسته با آنها مقابله نشود، اساس ایدئولوژی اسلامی در این هجمه نابرابر با خطرات جدی مواجه خواهد شد. از این‌رو، امروز تنها رمز و راز موفقیت در عرصه جهانی، «وحدت»، «اتحاد» و «انسجام» داخلی و «همدلی» و «همزبانی» دولت و ملت است. به همین دلیل، این رویکرد، رویکردی استراتژیک محسوب می‌شود؛ زیرا {همدلی و همزبانی دولت و ملت}، تنها راه مقابله با تهدیدهای دشمن و فائق آمدن بر مشکلات است (فولادی، ۱۳۸۷، ص ۷۸).

از سوی دیگر، با توجه به آیات عدم تفرق، عدم تنازع و عدم اختلاف، و نیز سنت و سیره عملی نبوی و ائمه اطهار علیهم‌السلام همدلی، همزبانی، وحدت، و انسجام، صرفاً یک توصیه اجتماعی و نیاز مقطعی و تاکتیک سیاسی و اقدام عملی برای حفظ منافع مادی مشترک نیست، بلکه تلاش برای حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه، واجبی عینی است که ریشه در معارف ناب اهل‌بیت علیهم‌السلام و آموزه‌های دینی دارد.

هرچند مفهوم «استراتژی» در گذشته به مفهوم به کارگیری همه امکانات کشور برای دستیابی به هدف‌های نظامی به کار می‌رفت، اما به تدریج، این مفهوم از بعد نظامی محض فاصله گرفت و در حال حاضر، اهداف نظامی، بخشی از اهداف ملی یک کشور را تشکیل می‌دهد. امروزه دولت‌ها قادر نیستند تنها با استفاده از قدرت نظامی بر دشمن پیروز شوند، بلکه به مجموعه‌ای از ابزارهایی نیاز دارند که قدرت نظامی یکی از آنهاست (بابایی، ۱۳۶۹، ص ۴۴). استراتژی در معنای اصطلاحی جدید، این‌گونه تعریف می‌شود:

فن و علم توسعه و به‌کارگیری قدرت و توانایی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت هنگام جنگ و صلح، به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال دستیابی به نتایج مطلوب، برای کسب حداکثر پیروزی و حداقل شکست (باقری، ۱۳۷۰، ص ۱۹۸).

استراتژی با عوامل مختلفی همچون همدلی، همزبانی دولت و ملت، وحدت ملی، اعتقادات مردم، نوع حکومت، رهبری و نظایر آن ارتباط مستقیم دارد (مقتدر، ۱۳۷۰، ص ۹۸). از این‌رو، با عنایت به معنای لغوی و اصطلاحی «استراتژی»، رویکرد نظام اسلامی به همدلی و همزبانی دولت و ملت، و وحدت، اتحاد و انسجام داخلی برای فائق آمدن بر مشکلات پیش‌رو، رویکردی استراتژیک و راهبردی است. افزون بر اینکه، وحدت و عدم تفرق، اختصاص به امت اسلامی ندارد. در قرآن کریم، خداوند متعال همه پیامبران خود را توصیه و سفارش نموده است که مواظبت کنند و نگذارند در بین پیروان ادیان الهی تفرقه به وجود آید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا...» (شوری: ۱۳)؛ خدا شرع و آئینی که برای شما مسلمانان قرار داد، حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش کردیم که دین خدا را برپا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید.

در تفکر دینی، بر وحدت و انسجام ملی و دینی و نیز همدلی و همزبانی دولت و ملت، به عنوان یک آرمان نهایی در سطح جوامع و جهان اسلامی تأکید می‌شود: «وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ» (حج: ۷۸). بنابراین، از نظر مفهومی وحدت و اتحاد و همدلی، از جهت روش و ابزارمندی آن شامل تمامی

تصمیم‌سازی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، اتخاذ روش‌های واحد، بهره‌گیری از امکانات مشترک، و تدابیری می‌شود که نتیجه و پیامد آن، کارآمدی نظام اسلامی در فائق آمدن بر مشکلات است. از این‌رو، خداوند می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)؛ محور و کانون وحدت، ریسمان محکم الهی است. چنگ و اعتصام به حبل محکم الهی را، زمینه‌ساز همدلی بیشتر ارکان نظام سیاسی و امت اسلامی است و نتیجه آن انسجام و اتحاد ملی و داخلی است.

از سوی دیگر، تفرقه و اختلاف، سم مهلکی است که همدلی و انسجام داخلی و اتحاد امت اسلام را نشانه رفته است. قرآن کریم، از بین رفتن وحدت امت اسلام که از ناحیه ناهمدلی و عدم تفاهم کارگزاران نظام سیاسی و امت اسلامی پدید می‌آید را با اقامه دین حق و آیین توحیدی منافی دانسته، می‌فرماید: «... أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...» (شوری: ۱۳). به همین دلیل، و با توجه به استراتژیک و راهبردی بودن، وحدت، و همدلی، خدای متعال به شدت کسانی را که در پی اختلاف‌افکنی هستند، سرزنش و مذمت می‌کند و آن را مانند ملل پیشین قلمداد نموده که پس از هدایت الهی، باز به سمت اختلاف تمایل یافتند و سزاوار عذاب عظیم شدند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: ۱۰۵).

بنابراین، همدلی و وحدت از منظر دینی امری مطلوب، و بدان بسیار سفارش و تأکید شده است، به گونه‌ای که اقامه دین در پرتو وحدت امت اسلام پدید می‌آید. این وحدت، در قلمرو حکومت‌ها و جوامع اسلامی و در میان ملل مسلمان، «وحدت سیاسی» یا «وحدت امت اسلام» و در عرصه داخلی، میان ارکان نظام، «همدلی دولت و ملت» نام دارد که هر دو، رویکردی راهبردی است.

موانع تحقق همدلی و هم‌زمانی

در عدم تحقق همدلی و هم‌زمانی و رسیدن به تفاهم متقابل و مشترک، موانعی وجود دارند که برخی از آنها عبارتند از:

۱. ترس از تزلزل موقعیت اجتماعی: برای نیل به تفاهم متقابل و مشترک و همدلی، دولت و ملت نیازمند نگرش مثبت نسبت به یکدیگر هستند. تمرکز و توجه بیش از حد به خود و تلاش برای حفظ مقام و موقعیت خود و ترس از تزلزل آن، موجب غفلت و یا

بی‌توجهی و احترام به دیگران است که خود مانع مهمی در عدم تفاهم و همدلی است. این موضوع هم درباره احزاب و جریانات سیاسی صادق است و هم درباره کارگزاران نظام، به‌ویژه دولتمردان. عوامل متعددی ممکن است موجب توجه بیش از اندازه فرد نسبت به خود و غفلت از دیگران شود. حفظ مقام و موقعیت اجتماعی خویش، ترس از تزلزل آن، از جمله عوامل توجه به خود است. اشخاص زمانی که احساس ترس می‌کنند و در حفظ خود و موقعیت خویش اندیشناک شوند، حالت تدافعی به خود می‌گیرند. در این حالت، آنها به خود احزاب و جریانات همسو و همفکر بیشتر توجه کرده و از پرداختن به دیگران ابا دارند. رفتار تدافعی، موضع‌گیری احساسی، هیجانی و فاقد پشتوانه منطقی، سیاسی و یا جناحی و... زمینه‌ساز تضعیف تفاهم، همدلی و هم‌زمانی است.

۲. برجسب‌زنی و پیش‌داوی: قضاوت سطحی و بدون تحقیق، پیش‌داوری و ارزیابی طرف مقابل، یکی از موانع تحقق همدلی و ایجاد تفاهم می‌باشد. پیش‌داوری نوعی نگاه منفی و قضاوت عجولانه و بدون تحقیق نسبت به شخص و یا گروهی است که براساس اطلاعات ناقص و یا نادرست به دست می‌آید. عمدتاً عواملی چند همچون وابستگی به جریانات سیاسی و تأثیرپذیری از آنها، نقدناپذیری، آستانه پایین تحمل و صبر، خودرأی و مستبد، غیرمنطقی بودن و... در این زمینه نقش اساسی دارند. از جمله قالب فکری که در ذهن شخص ایجاد شده و موجب می‌شود بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های واقعی افراد خصوصیات یکسانی به آنها دهد (ارونسون، ۱۳۷۷، ص ۱۹۸).

نگرش‌های قالبی و از پیش شکل گرفته نسبت به جریانات سیاسی، افراد، احزاب و گروه‌ها، که با تعصب همراه می‌باشد، بی‌شک نقش برجسته‌ای در پیش‌داوری، برجسب‌زنی و عدم تفاهم و همدلی مؤثر است و مانعی مهم در نیل به عدم تفاهم هم‌دلانه است.

۳. سیاه‌نمایی و فقدان بصیرت لازم: از دیگر موانع تحقق همدلی و هم‌زمانی دولت و ملت عبارتند از: فقدان بصیرت لازم و عدم درک درست فعل و انفعالات جهانی و داخلی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، سیاه‌نمایی و نادیده گرفتن خدمات دولت‌ها از گذشته تاکنون، ورود در مسائل جناحی و حزبی و ترجیح منافع شخصی، حزبی و جناحی بر مصالح و منافع ملی، فضاسازی پیرامون مجریان و

ولایت و رهبری است که با راهبری و هشدارهای حکیمانه خود، همواره دولت و ملت را هدایت می‌کند. از این رو، مهم‌ترین ستون همدلی و همزبانی و محور اصلی همگرایی جامعه و نظام، ولایت و رهبری است.

۳. حفظ نظام، داشتن آرمان و دغدغه مشترک، روح همدلی و همزبانی را در جامعه و میان دولتمردان و مردم تقویت می‌کند. حفظ و دفاع از کیان نظام اسلامی، مستلزم حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه اسلامی است که باز کاوی مستمر آن، برای کارگزاران و آحاد افراد جامعه، به‌ویژه نسل جوان از ضروریات امروز جامعه ماست که اهتمام به آن، همدلی و همزبانی را تقویت می‌کند.

۴. ترجیح مصالح و منافع نظام و جامعه اسلامی بر منافع شخصی، گروهی، جناحی و حتی قومی، نژادی و عدم ورود به بازی‌های سیاسی و حزبی، و خدمت بی‌منت به مردم و استفاده از همه توان و ظرفیت‌های انسانی کشور با نگاه فرا جناحی، راهکار دیگری برای تقویت همدلی دولت و ملت است.

۵. شناخت مشترک و متقابل دولت و ملت از شرایط و نیازهای جامعه جهانی، رعایت حقوق متقابل دولت و ملت، «حفظ احترام و کرامت انسانها باید مردم را مورد محبت و احترام قرار داد و به آنها اعتنا کرد، تا به دستگاه حاکمه وصل باشند (رهبری، ۱۳۷۰/۰۵/۲۳)، اعتماد به مردم، «در حقیقت اعتماد مردم است که پشتیبانی آنها را به وجود می‌آورد؛ و پشتیبانی و اتصال مردم به دست‌اندرکاران نظام است که توفیق این حرکت اسلامی را با اهداف اسلامی تضمین می‌کند (رهبری، ۱۳۷۰/۱۲/۱۲) و اینکه دانستن حق مردم است، همراهی و حمایت مردم از دولتمردان و دولت از مردم، به‌ویژه قشر آسیب‌پذیر، سبب‌ساز دیگر تقویت همدلی و همزبانی است.

۶. احترام متقابل دولت و ملت، نصیحت دلسوزانه و متقابل، توجه به نقش مردم در کارآمدی دولت؛ «مصونیت کشور، وابسته به حضور مردم است؛ کم شدن فشارهای دشمنان، وابسته به حضور مردم است، وابسته به اتحاد و انسجام مردم با نظام و با دستگاه جمهوری اسلامی و حس اعتماد متقابل بین مردم و مسئولان است. این حس باید روزبه‌روز تقویت بشود» (۱۳۹۲/۰۳/۲۲)، پرهیز از تخریب مردم یا کارگزاران، نویدبخش همدلی و همزبانی بیشتر است.

۷. حضور فعال دولت و ملت در صحنه‌های گوناگون، اعتماد

متقابل و صمیمیت «هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و

ناظران انتخابات پیش‌رو، اعتماد، دل‌بستگی و دلدادگی به غرب و ترجیح نسخه‌های آنان بر راه‌حل‌های بومی و داخلی، تأثیرپذیری از رسانه‌های بیگانه، فهم نادرست و توجیه و یا تأویل مواضع و منویات رهبری، ورود به مجادلات بی‌حاصل، بیهوده حزبی، سیاسی و جناحی و

۴. آن‌گاه که ملّتی، دولت را برآمده از اراده جمعی و یا ارزش‌های الهی خود نداند و آن را فاقد شایستگی لازم علمی و عملی برای حاکمیت ارزش‌های الهی و تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های بلند نظام اسلامی بداند؛ چراکه رویکرد کلی و دغدغه اصلی دولت را دغدغه خویش نمی‌داند، و چنین می‌اندیشد که دولت در تحقق عملی آموزه‌های دینی و رفع ظلم و برقراری عدالت قدمی برنداشته و خود را به جای خادمی و کارگزاری مردم و ملّت، ارباب مردم می‌پندارد، انتظار همکاری دوسویه و تفاهم و همزبانی و همدلی دولت و ملت، انتظاری بیهوده خواهد بود. هر دوی دولت و ملت باید برای تحقق همدلی و تفاهم مشترک و اصلاح این نگرش منفی تلاش کنند.

۵. همچنین آن‌گاه که ملّتی روحیه ایمانی و انقلابی خود را از دست داده، ارزش‌های الهی و انقلابی در بین مردم کمرنگ شده، سبک و سیاق زندگی آنان از آموزه‌های دینی فاصله گرفته و رنگ و لعاب غیردینی به خود گیرد، و در عمل از معارف ناب الهی و قرآنی فاصله بگیرد، ناصالحان به جای صالحان و جاهلان به جای نخبگان، ظالمان به جای عادلان و بیماردلان به جای سلیم‌النفوس، شایسته‌سالاری به جای حزب‌سالاری، تعهد و پایبندی به ولنگاری فرهنگی تبدیل شود، و از دین و معارف ناب دینی تنها اسمی در جامعه باقی مانده باشد، تحقق واقعی همدلی و همزبانی انتظاری بیهوده است.

راهکارهای عملی تحقق همدلی و همزبانی دولت و ملت

برای تحقق همدلی و همزبانی دولت و ملت، راه‌کارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. همدلی و همزبانی دو روی یک سکه هستند؛ یکی ناظر بر گرایش‌ها، نیات و انگیزه‌های قلبی و باطنی است و دیگری ناظر بر جلوه‌های عینی، بیرونی و رفتاری است. همراهی دل و زبان باید با هم باشد. اگر همزبانی باشد، همدلی نیز خواهد بود.

۲. محور و موتور محرکه همدلی و همزبانی دولت و ملت،

توانایی خود تجربه کرده است، ما نیز تجربه کنیم. مهم است بدانیم این تجربه می‌باید براساس نگرش و احساسات او باشد، نه آنچه خود می‌اندیشیم. خود را کاملاً جای او قرار دادن و نقش او را ایفا کردن ما را برآن می‌دارد که او را بهتر درک کنیم (فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۸). همدلی نیازمند حساسیت نسبت به دیگران و توانایی ارائه این حساسیت و نشان دادن آن به دیگران است. پس حساسیت نشان دادن به دیگران؛ یعنی دیگران برای ما دارای ارزش و اهمیت هستند و ما از آنها به راحتی نمی‌گذریم. یکی از مخرب‌ترین عوامل در رابطه بین اشخاص، بی‌تفاوتی طرفین نسبت به یکدیگر است. بی‌تفاوتی و خنثا بودن، به طور قطع به رابطه انسانی و ارتباط با دیگران لطمه می‌زند. امروزه علم ارتباط انسانی این حساس بودن را یک مهارت عمده ارتباطی می‌داند که در رابطه انسانی بسیار حائز اهمیت است (فرهنگی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۳). بی‌تفاوتی دولت نسبت به نیازهای واقعی مردم و تلاش برای تأمین آن، و در عوض پرداختن به موضوعات حاشیه‌ای و غیرضروری، بی‌تفاوتی مردم نسبت به دولت در همراهی با او در حل مشکلات جامعه، و تحقق حقوق شهروندی، بستر ساز گسست وحدت و انسجام اجتماعی و عدم تحقق همدلی و هم‌زمانی است.

گام چهارم، توجه متقابل است. توجه کردن و بی‌توجه نبودن نسبت به طرفین، خود یک عامل مهم برای همدلی، هم‌زمانی و تفاهم است. بی‌توجهی دولت به خواست و نیازهای اساسی مردم و تلاش برای تحقق حقوق شهروندی و عدم توجه مردم به مسائل و مشکلات پیش‌روی دولت، زمینه‌ساز دوری دولت از ملت و عدم تفاهم است. در موضوع توجه، نقدپذیری و گوش شنوای دولت به نقدهای مشفقانه و دلسوزانه و ترتیب اثر به آنها در نیل به درک متقابل، داشتن زبان مشترک و تفاهم و همدلی بسیار مؤثر است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش، به واکاوی مهم‌ترین عوامل پیدایی همدلی و هم‌زمانی پرداخت. برای تحقق عینی این مقوله، باید دولت و ملت ضمن شناخت وظایف متقابل خویش در این زمینه، تلاش مضاعفی برای همدلی و تفاهم متقابل انجام دهند. توجه به نکاتی چند در این زمینه ضروری است:

همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند» (هبری، پیام نوروزی ۱۳۹۴)، برقراری ارتباط و روابط عاطفی و دلسوزانه در برابر انجماد و برخورد های تحکمی و طلبکارانه، یاری رسانی دولت در بحران‌ها و پیچ‌های حساس جامعه به گونه‌ای که نه دولت احساس بی‌پشتوانه بودن کند و نه ملت احساس تنهایی و غربت نماید؛ چراکه هم دولت نیازمند حضور مردم در صحنه و پشتیبانی کانون قدرت و اقتدار یعنی مردم است و هم مردم امید به دولتمردان و وظیفه‌شناس و عاقل و باتدبیر و پرتلاش دارند، اینها همگی بستر ساز همدلی و هم‌زمانی بیشتر است.

۸. امروز و در شرایط حساس کنونی، همدلی و هم‌زمانی نه به عنوان شعار سال، بلکه نقشه راه و استراتژی و راهبردی اساسی است که تنها در پرتو آن می‌توان جامعه را در دنیای پرتلاطم امروزی به ساحل نجات رساند و موتور محرکه دولت و ملت برای تحقق آرمان‌های نظام اسلامی است.

افزون بر مراحل فوق که منجر به تحقق همدلی و هم‌زمانی، وحدت و انسجام داخلی خواهد بود، گام‌های عملی زیر نیز در برای تحقق عملی همدلی و هم‌زمانی و تفاهم متقابل دولت و ملت لازم است. نخستین گام، پرهیز از قضاوت عجولانه و ارزیابی رفتار طرف مقابل می‌باشد. ملتی که کارگزاران نظام سیاسی را با برچسب‌های سیاسی می‌شناسد، دولتی که منتقدان خود را، به جای پاسخ مستدل، با برچسب‌هایی متهم می‌کند، امکان رسیدن به همدلی و تفاهم مشترک به حداقل می‌رسد؛ زیرا اگر ما رفتار فرد مقابل خود را براساس صحیح و غلط، زشت و زیبا، خوب و بد ارزیابی کنیم، پس ما رفتار او را در چارچوب این برچسب‌ها می‌بینیم، نه آن طور که هست؛ زیرا ممکن است رفتار واقعی او با این برچسب‌ها سازگار یا ناسازگار باشد. در این صورت، ما اولین گام را در جهت تخریب پل‌های ارتباطی خود برداشته‌ایم و از همدلی و داشتن ادبیات و زبان مشترک دور شده‌ایم.

دومین گام، درک احساسات طرف مقابل است. هرچه بیشتر او را بشناسیم، بهتر می‌توانیم با او همدلی کنیم. درک خواسته‌ها و نیازها، آرزوها، آمال، توانایی‌ها، تجارب و بیم‌ها و هراس‌های طرف مقابل، زمینه‌ساز شناخت بهتر او و همدلی و هم‌زمانی با اوست.

در گام سوم، باید کوشید آنچه دیگری براساس نگرش و

منابع.....

نهج البلاغه، ۱۳۷۶، ترجمه سیدجعفر شهیدی، چ یازدهم، تهران، علمی و فرهنگی.
 آرونسون، الیوت، ۱۳۷۷، *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه حسین شکرکن، تهران، رشد.
 بابایی، غلامرضا، ۱۳۶۹، *فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل*، تهران، سفیر.
 باقری کیبوق، علی، ۱۳۷۰، *کلیات و مبانی جنگ و استراتژی*، تهران، بین‌المللی.
 بهشتی، احمد، ۱۳۵۴، «اسلام و حقوق کودک (۲۵)»؛ تفاهم لازم است، نه تنها هم‌زبانی، *درس‌هایی از مکتب اسلام*، سال شانزدهم، ش ۱۱، ص ۳۱-۳۴.
 ساروخانی، باقر، ۱۳۷۸، *جامعه‌شناسی ارتباطات*، تهران، اطلاعات.
 سعدی، مصلح‌بن عبدالله، ۱۳۵۶، *کلیات سعدی*، تصحیح محمدعلی فروغی، چ دوم، تهران، امیرکبیر.
 فرهنگی، علی‌اکبر، ۱۳۷۸، *ارتباطات انسانی (مبانی)*، تهران، رسا.
 فرهنگی، علی‌اکبر، ۱۳۸۷، *ارتباطات انسانی*، تهران، رسا.
 فولادی، محمد، ۱۳۸۷، «استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی»، *معرفت*، ش ۱۲۶، ص ۷۵-۹۶.
 مؤذنی، علی‌محمد، ۱۳۵۷، *در قلمرو آفتاب (مقدمه‌ای بر تأثیر قرآن و حدیث در ادب پارسی)*، چ دوم، تهران، قدیانی.
 مقتدر، هوشنگ، ۱۳۷۰، *سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*، تهران، مفرس.
 مولوی، جلال‌الدین محمد، ۱۳۶۶، *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولد نیکلسون، چ پنجم، تهران، مولی.
 نگیانی، شریعت‌دلجور، ۱۳۸۵، *ارتباطات انسانی تفاهم با دیگران*، تهران، سپهر سخن.

۱. همدلی و هم‌زبانی نوعی مهارت و هسته اصلی ارتباط است. زمانی همدلی محقق می‌شود که شرایطی فراهم شود که طرف مقابل در یک فضای سالم و غیرتهدیدکننده قرار گیرد تا او بتواند احساسات و افکار خود را ابراز کند.

۲. پیامد تعامل و ارتباط دوسویه که همراه با درک و تفاهم متقابل است، داشتن زبان و ادبیات مشترک است که افزون بر اثربخشی ارتباط، موجبات همدلی دولت و ملت را فراهم می‌سازد.

۳. در کلام رهبری، برای تحقق همدلی و هم‌زبانی، عزم راسخ و مدیریت جهادی لازم است. مردم همواره با عزمی راسخ وظایف خویش را تمام و کمال انجام داده و می‌دهند. آنچه انتظار بیشتر می‌رود، مدیریت جهادی دولت است. دولت هم هرگاه خواسته، توانسته است.

۴. برخی رسالت ملت در تحقق همدلی و هم‌زبانی عبارتند از: بصیرت و هوشیاری؛ همراهی عملی در تحقق اقتصاد مقاومتی از طریق صرفه‌جویی و...؛ اعتماد به دولت و کمک و همراهی با او؛ درک حساسیت شرایط جهانی و پرهیز از رویکرد تقابلی با دولت است.

۵. برخی رسالت دولت در این زمینه عبارتند از: اعتماد به مردم؛ مبارزه جدی با فساد، تبعیض و بی‌عدالتی؛ عدم ورود در جدال‌های بیهوده سیاسی؛ شایسته‌سالاری؛ پرهیز از اتخاذ مواضع افراطی و تفریطی؛ نقدپذیری؛ همگرایی و همسویی و حفظ ارکان نظام اسلامی؛ پایبندی عملی بر آرمان‌های نظام اسلامی؛ عدم دلدادگی به غرب؛ اجتناب از مردم‌فریبی؛ پرهیز از اشرافی‌گری؛ حفظ نیروهای ارزشی و صاحبان اصلی انقلاب؛ تلاش در جهت تحقق مثنویات رهبری؛ حمایت واقعی از تولیدات داخلی؛ تلاش در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی و داشتن مدیریت و روحیه جهادی.

۶. رویکرد همدلی و هم‌زبانی و وحدت و انسجام ارکان نظام و مردم، برای فائق آمدن بر مشکلات در دنیای امروز، رویکردی راهبردی و استراتژیک است، نه تاکتیکی.

۷. مهم‌ترین موانع تحقق همدلی و هم‌زبانی، ترس از تزلزل موقعیت اجتماعی، برچسب‌زدن و پیش‌داوی، سیاه‌نمایی و فقدان بصیرت لازم است.

۸. برخی راه‌کارهای تحقق همدلی و هم‌زبانی، پرهیز از قضاوت عجولانه و ارزیابی سطحی رفتار طرف مقابل، درک احساسات متقابل، تلاش برای درک تجربه و شناخت متقابل، و توجه متقابل است.